

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمی صلواتی
۱۵ سپتمبر ۲۰۲۲

نگاهی گذرا به هنر طبقاتی؟ با یادی از رفقاء غلام کشاورز و صدیق کمانگر

هنر ابزاری است که باید در راه آزادی و سوسیالیسم، توسط کمونیستها به کار گرفته شود... چون هنر براساس نیازهای عاطفی و مادی، بنا به شرایط خاص اجتماعی در ذهن انسان با تصویر هائی متفاوت در رنگهای مختلف خلق می شود هنر را نمی توان طبقاتی یا حزبی تصور کرد اما برای پیش برد اهداف سیاسی می توان از آن استفاد کرد.

به همین دلیل من هیچ وقت در دام تقسیم بندی های روشنفکرانه اجتماعی یا طبقاتی نیفتادم.

«طبقاتی بودن هنر برای من، قابل فهم نیست»

«دعوت به یک بحث از سوی کانون هنری کومه له»، فکر می کنم مرداد- اسد- ۱۳۶۸ بود

در اردوگاه بوته «کانون هنری کومه له» یک جلسه بحث در مورد هنر طبقاتی، توسط وریا ناظری برگزار و سخنران آن فاتح شیخ بود..

من هم دعوت شده بودم. علی رغم مخالفت رفقای گروه «بانگه واز» رفتم..

زنده یاد ناصر جلالی نیز با من همراه بود.

قبل از رفتن با سیاوش مدرسی که خیلی به هم نزدیک بودیم. بحثی کوتاه داشتم، نظرات او در مورد هنر نیز برای من جالبتر بود. او نیز به جلسه آمد. هدف من هم نزدیکتر کردن رفقای که هنرمند و یا ذوق هنری داشتن به هم در تشکیلات بود...»

* هنر جدا از احساسات و خلاقیت های انسانی می توان به عنوان یک ابزار از آن استفاد کرد...

برای تبلیغ اهداف سیاسی، یا برای تجارت و غیره، برای نفوذ بر توده مردم، تا برای بهتر تأثیرگذار بودن در جامعه....»

* در مقر رادیو حزب کمونیست ایران بودیم که غلام کشاورز با محمد آسنگران وارد شدند ما به احترام بلند شدیم مجید و خالد با اشاره به من گفتند او غلام کشاورز است.

من و ماجد تا آن لحظه از نزدیک غلام کشاورز را ندید بودیم اما از وجودش شاد شدیم و برای من واقعاً خوشحال کننده بود یکی از رفقای قلم به دست که مقالات او را من با کمال میل مطالعه می کردم.

بعد از ناهار، به سالون ورزش رفتیم.

من و ماجد همراه با غلام کشاورز و محمد آسنگران یکی دو نفر دیگر بودند متأسفانه اسمشان را به خاطر نمی‌آورم. میز پینگ-پنگ قشنگی وجود داشت اول غلام بود که راکت را در دست گرفت اگر اشتباه نکنم محمد آسنگران. ماجد جلالی هر کدام چند دقیقه با او بازی کردند بعد از آنها من از غلام خواهش کردم چند دقیقه با من نیز بازی کند. بازی او حرف نداشت زیبا و سریع بود.

و من شیفته راکت و توپ بازی پینگ-پنگ برای چند لحظه لذت بخش بود....

غروب در سالون عمومی برای شرکت در جلسه آماده شدیم. شاید پنجاه نفری می شدند، فاتح شیخ به عنوان سخنران، مصلح «ربیوار» محمد آسنگران و چند نویسند و شاعر کورد عراقی،

رفقا صدیق کمانگر و غلام کشاورز کنار هم نشسته بودند

من و ماجد سیلوش مدرسی. محمد آسنگران کنار هم، رفقای زیادی بودند.

کا فاتح بحث را شروع کرد فاتح واقعاً سخنران بود و زیبا حرف می زد رفقا صدیق کمانگر، غلام کشاورز. سیلوش مدرسی، مصلح هر کدام نکاتی را بیان کردند....

من سعی کردم فقط گوش کنم تا بتوانم جوهر بحث را بفهم و از این جلسه نهایت استفاده را ببرم، مشکل من در آنموقع تا به امروز هنر را به عنوان یک ابزار می ببینم که می شود مثل هر کالای جذاب به خدمت گرفت این کالا خریدنی ست. همانطور حکومتها برای فریب و جذب مردم و تزریق جهل و خرافات از آن برای نفوذ و فریب مردم استفاده می کنند .

در پایان جلسه با حضور سیلوش و صدیق کمانگر بحث نشریه هنری کانون را پیش کشیدم

خیلی با احتیاط و رفیقانه به دور از هر غرضی پیشنهاد و انتقاد خودم را با فریدون ناظری در میان گذاشتم .

"رفیق فریدون ما باید از کم شروع کنیم تا به کیفیت بالا برسیم. عزیز ما یک تانتر دو دقیقه ئی برای رادیو ساختیم و شما یازده ورق کاغذ در نقد آن نوشتید،

وقتی ما ابزاری برای نشر کارهای هنری خودمان نداریم. پس چگونه دیگران بتواند ما را قضاوت کنند، چگونه شادابی رفقا را که خسته از منطقه بر می گردند در اردوگاه فراهم کنیم...

من خوشحالم ترانه های رفیق مصلح بر سر زبان کودکان در شهرهای کردستان است

یا رفیق فریبرز فخاری چگونه در اوج بی امکاناتی توانستند با ساختن آهنگهای انقلابی تأثیر گذار باشند امروز هنر برای نفوذ در قلب مردم لازم است. و شما به عنوان مسؤول یک نشریه می توانید بهتره عمل کنید.

در سی سال گذشته متأسفانه رفقای ما نتوانستند جایگاه سیاسی صدیق کمانگر به عنوان کمونیست را، به عنوان یک رهبری توده ئی و به معنا واقعی در جامعه کردستان به تصویر بکشند و این یک ضعف بزرگ در بازگو کردن ما برای تاریخ، تاریخ رهبران عملی و جنبشهای توده ئی ست که ما باید در آن اندیشه کنیم، فعال باشیم، اگر خودمان پیر شدیم تجربیات و فداکاریهای انقلابیون را به نسل جدید می توانیم منتقل کنیم که چگونه ارتباط نسل انقلابیون بر آمده از انقلاب ۵۷ پرچم نه به حکومت اسلامی و خمینی را در کردستان بر افراشتند. و در این راه جان باختند...

ضعف ما در بازگویی تاریخ پر افتخار هزاران کمونیست که توسط متجاوزین جمهوری اسلامی یا حزب دمکرات کردستان ایران در کوههای کردستان جان باختند یک ضعف برجسته است و باید اصلاح شود ما در مورد رفقای که توسط حزب دمکرات جان باختند لکنت زبان می گیریم که این انصاف نیست، مصلحت و مفاشات تنها بی انصافی نیست بلکه خیانت آگاهانه است....

همچنان رفیق غلام کشاورز «بهمن جوادی» یکی از کمونیست های برجسته جنبش آزادیخواهی و برابری طلب در تاریخ معاصر ایران است

ترور غلام کشاورز به دلیل فعالیت های کمونیستی در سطح جهان بود غلام کشاورز یک نویسنده توانا، یکی از متفکران جنبش کمونیستی در ایران بود
مثل کاک فواد، مثل دکتر جعفر شفیعی ، مثل صدیق کمانگر. با صدها چهره کمونیست دیگری که در راه آزادی و سوسیالیزم جان باختند

هنر یک ابزار است و باید از آن برای تبلیغ و اهداف سیاسی، برای نفوذ بر توده مردم استفاده کرد.....
چند روز بعد از این جلسه در مقر گردان شوان نشسته بودیم ما علی رغم این که به این حقیقت آگاه بودیم که بی بی سی رسانه ای دست راستی است «یک حزب دست راستی» ولی به آن گوش می کردیم
چهارم شهریور ۱۳۶۸ بود که رادیو بی بی سی در پخش خبری خود " بهمن جوادی یکی از رهبران کومه له در قبرس به ضرب گلوله جلو چشمان مادرش کشته شد ."
ما اول نقشه را نگاه کردیم تا ببینیم قبرس کجاست !

تلخ تر، آنکه نمی دانستم بهمن جوادی همان رفیق غلام کشاورز است...
متأسفانه حکومت اسلامی چند روز بعد از ترور رفیق غلام، توانست صدیق کمانگر این رهبری توده ئی و توانا را نیز ترور کند...

من هنوز بعد از ۳۳ سال غم آن همه اتفاق، آن همه فاجعه را نمی توانم فراموش کنم حوادث پی در پی بمباران کیمیایی اردوگاه بوته توسط دولت عراق، فاجعه گردان شوان ضربات تند حکومت اسلامی به جنبش کمونیستی ایران که نمی شود براحته از آن گذشت.

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۲ میلادی شمی صلواتی